

برگرفته از : نشریه آلمانی (J.W)

نویسنده: Dietrich Eichholtz

برگردان: ح . حارث

کالا و سلاح

جهان صنعتی در اواخر قرن ۱۹ بخش های مهم زیر بنایی خویش را تغییر داد. تحولات تخنیکی و نوآوری های انقلابی ، تجارب و مواد خام نو در بخش های ساختمان ماشین آلات و عراده جات، صنعت کیمیاوی ، نیروی اقتصادی و امور حمل و نقل پیاده گردید. دگرگونی در حال شکل گرفتن بود. در آخرین دهه دهه بیستم شاخه کاملاً جدیدی عرض اندام کرد «صنعت نفت» که نخست به آن توجه زیاد صورت نگرفت و حتی دست کم گرفته شد اما تأثیر آن امروز در سراسر جهان به پیمانانه ایست که جزء هستی و موجودیت هر انسان گردیده و باعث تفکر و نگرانی بیشتر انسانها گردید.

استخراج ، تصفیه ، ترانسپورت و توزیع نفت و مشتقات آن در سراسر جهان باعث جهانی شدن شاخه بزرگ صنعت جدید و روابط جدید اقتصادی گردید. نفت به مواد خام درجه اول و وسیله زور و تشتت حاکمان صنایع تبدیل شد. از ده شرکت بزرگ پر درآمد جهان پنج آن به شرکت های متحد نفتی تعلق گرفت.

همزمان با آغاز دوران نفت عصر امپریالیسم نیز آغاز میگردد ، شکل جدید سرمایه داری: یعنی انحصار و جهانی شدن که با تراکم سرمایه ، استثمار و ثروت اندوزی در کره خاکی میتوان آنرا شناسایی کرد. ویژه گی آن رقابت و مبارزه شدید بخاطر کسب ثروت است.

یکی از نمونه و مثال بارز آن دو جنگ جهانی میباشد که بوسیله امپریالیسم براه انداخته شد. که در آن از نفت به عنوان وسیله کار برد وسایط جنگی (ناوگان جنگی ، نیروی هوایی ، ارتش) اما بعد ویژه گی خویش را به عنوان هدف اساسی جنگ نشان داد.

Lord George Curzon (۱۸۵۹ – ۱۹۳۵) عضو کابینه جنگی و بعداً وزیر خارجه بریتانیا در نوامبر سال ۱۹۱۸ چنین اظهار داشت: «قواء متحدین در یک موج بزرگ

نفت در جهت پیروزی شنا میکنند». شکست امپریالیسم آلمان در جنگ دوم جهانی ، آلمان را از رسیدن به یک قدرت جهانی و قدرت بزرگ نفتی محروم ساخت.

از دعا تا نفرین

امروز نفت که شریان اقتصاد جهان نامیده میشود از دعا و سپاس به نفرت انسان تبدیل شده است. انگیزه آن تصاحب و به کار بُرد از نفت جهت استثمار بخش بزرگی از جهان توسط قدرت های نفتی ، براه انداختن جنگ ها و کشتار به منظور غصب منابع نفتی میباشد. به طور نمونه: جنگ های خلیج (چهار جنگ اسرائیل و اعراب در کمتر از یک دهه) جنگ های داخلی (نایجریا امروز سودان) براندازی حکومت (ایران ، وینزویلا) سوء قصد (نایجریا) دفاع و حمایت از دکتاتوران و رژیم های مستبد که با سوء استفاده از قدرت ، سودجویی بیشرمانه ، استهزاء و تمسخر به حقوق بشر، به حیات ننگین خویش ادامه میدهند.

برعلاوه ، اصراف و بی توجهی قدرت های بزرگ جهان در رأس آن ایالات متحده امریکا از منابع نفت باعث خشک شدن این ذخایر و از کار افتادن اقتصاد جهان برای نسل های امروزی را به ارمغان خواهد داشت. استخراج غیر مسؤولانه از ذخایر (الاسکا ، نایجریا ، ابخار) ، استفاده نادرست (تولید CO2 و بقایای مواد کیمیاوی) ، تصادم و حریق تانکر ها ، تخریب لوله های نفتی، آلوده شدن ابخار و محیط زیست که پیامد آن است، فاجعه جهانی را به بار خواهد آورد. با صراحت باید اذعان داشت که پایان بازگشت ناپذیر عصر ذخایر نفتی در مقابل ما قرار دارد.

صورت حساب تعداد استخراج کننده گان و مصرف کننده گان جهان و ذخایر جهانی نفت در دسترس قرار داده شده است.

میزان استخراج سالانه نفت از آغاز قرن بیست (۱۹۱۰) ۲۰ میلیون تن برعکس در سال «۱۹۴۰» ۳۰۰ میلیون تن و در سال ۱۹۸۰ سه هزار میلیون تن، «۲۰۰۳» ۴۲۰۰ میلیون تن میباشد.

تولید کننده گان بزرگ ، شامل عربستان سعودی ، کشورهای مستقل مشترک المنافع (اتحادشوری سابق) ایالات متحده امریکا به شمول کشورهای خارج از قلمرو آن (الاسکا و خلیج مکزیکو) ایران، مکزیکو و وینزویلا میباشد.

بزرگترین مصرف کننده گان نفت ایالات متحده امریکا (۲۵ %) ، روسیه (کشورهای مستقل مشترک المنافع) آلمان ، جاپان و چین میباشد.

سنجش ذخایر جهانی بی نفت خام ثابت نبوده همیشه در تغییر است بعضی اوقات خوشبینانه رقم بالا نشان داده میشود. ذخایر ثابت و احتمالی متفاوت است، تثبیت گردیده که ۶۰ فیصد ذخایر نفتی در شرقمیانہ از جمله ۲۵ درصد در عربستان سعودی قرار دارد. ۱۰ فیصد در وینزویلا و کشورهای مشترک المنافع در مجموع حدس زده میشود. که ۱۴۲ میلیارد تن ذخایر ثابت در مقیاس استفاده امروزی برای ۳۵ تا ۴۰ سال دیگر کافی خواهد بود. ذخایر احتمالی که باعث بلند رفتن بیشتر بهای نفت خواهد شد (در عمق ابحار و بحیره ها) برای ۶۰ سال دیگر کافی خواهد بود همچنان ثابت نیست که با ارتقاء بهاء نفت از سنگ های آلوده به نفت (سنگ لوح) و ذرات قیر چه مقدار مواد نفتی بدست خواهد آمد ، طوریکه میگویند این چانس برای ۱۲۰ تا ۱۳۰ سال دیگر وجود دارد. واقعیت چنین است : که با پایان تاریخ چند هزار ساله یعنی شروع از عهد عتیق انسانها نفت را استفاده و استخراج میکردند اما با استفاده بی امان و با تلاش دیوانه وار سود و ثروت، طی ۲۰۰ سال این ذخایر را نابود میسازند.

گاز هم در همین وضعیت قرار داشت. بعد از جنگ دوم جهانی به مثابه دومی ماده خام در سطح جهان مورد استفاده قرار گرفت. این عنصر طبیعی ۲۵ فیصد انرژی جهان را تأمین میکند، که از طریق لوله ها و یا در حرارت ۱۶۲- درجه توسط کشتی های تانکر دار انتقال داده میشود. امروز استخراج گاز به صورت منظم از ۲،۵ تا سه بلیون مترمکعب میرسد (درسال ۱۹۵۰ تا ۱۸۰۰ میلیارد مترمکعب). بزرگترین تولید کننده گان ایالات متحده و روسیه بوده ، توريد کننده گان بزرگ آن جاپان و آلمان فدرال میباشد. احتیاجات اروپا را دو شبکه بزرگ متحد تأمین میکند یکی از سایبریای غربی تا اتلانتیک و دیگر آن از بحیره شمال تا شمال افریقا.

به نسبت قیمت بودن انتقال ترانسپورتی آن تا حال در حدود ۱۲ فیصد آن در سطح جهان صادر می‌گردد. ۴۰ فیصد این ماده در منازل و مؤسسات صنعتی و ۱۰ فیصد آن در نیروگاه های تولید انرژی به مصرف میرسد. ذخایر گاز که ۳۲ فیصد آن در روسیه و ۱۵ فیصد آن در ایران وجود دارد ، طوریکه تخمین شده (سال ۲۰۰۰) برای ۶۲ سال دیگر کافی خواهد بود.

سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰

سالهای بعد از جنگ الی ۱۹۷۰ سالهای پرتحرکی در جهان نفت بود بویژه در شرقمیانها که در روند توسعه آن اثر متضاد داشت. با ارتقاء روز افزون نیاز جهان به نفت ، تناسب قواء نیز در جهان به نفع امپریالیزم امریکا تغییر یافت که با راندن انگلیس ها به تسلط غیر رسمی خود در منطقه دست یافت. در مرکز امپراطوری نفتی ایالات متحده امریکا عربستان سعودی قرار گرفت، که در آغاز سالهای ۳۰ استخراج نفت را آغاز نموده و در جریان آن به حمایت مؤسسات نفتی ایالات متحده امریکا ، مقام اول را در استخراج نفت احراز نمود.

همزمان طی این سالیان مبارزات جنبش های ضد استعماری در ایران و کشورهای منطقه ، بخاطر حاکمیت ملی ، دفع و جلوگیری از غارت منابع طبیعی آنها ، آغاز گردید.

در جریان جنگ دوم جهانی نفت که ماده حیاتی برای بریتانیا محسوب میشد، ایالات متحده ملیونها تن را با کشتی های بزرگ نفت کش به بریتانیای کبیر ومیدان های جنگ گسیل داشت. حمل و انتقال نفت از مسیر عنعنوی کانال سوئیز و بحیره مدیترانه صورت میگرفت.

بنا بر این در سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ حکومت ایالات متحده امریکا تصفیة حساب نفتی را با متحد خویش بریتانیا آغاز کرد. مسأله اساسی ادعای تسلط بالای نفت بود که بعد از جنگ جهانی اول کشور بریتانیا بالای آن مسلط بود. طی مذاکرات طولانی و جدی بی که رییس جمهور فرانکلن . د. روزولت Franklin.D.Roosevelt و سفیر بریتانیای کبیر Earl of Halifax در ۱۸ فبروری سال ۱۹۴۴ داشتند ، روزولت پیشنهاد زیر را مطرح کرد : **نفت فارس (ایران) به شما تعلق دارد، نفت عراق و کویت را با هم تقسیم**

میکنیم ، اما نفت عربستان سعودی از ما است! حکومت بریتانیا تا امروز منطقه شرقمیانه به شمول مصر و خلیج فارس را مستعمره و ملکیت خویش میدانند و به حومه استراتژییک خود به طرف هند و شرق دور نگاه میکند. با پیشروی امریکا موقعیت بریتانیای کبیر ضعیف تر گردیده و بلاخره در سال ۱۹۷۱ حضور نظامی خویش را در شرق کانال سویس پایان بخشید. این حادثه مانند زمین لرزه سیاسی - استراتژییک اتفاق افتاد.

قیام های ضد استثماری در شرقمیانه در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۸، از ایران تحت رهبری نخست وزیر « محمد مصدق » باملی ساختن نفت آغاز گردید. ایالات متحده و متحد آن بریتانیای کبیر به کمک « CIA » و اداره استخبارات انگلستان « M16 » با اقدام عاجل ، حکومت مصدق را سرنگون و شاه را که با قیام توده ها فرار نموده بود، دو باره به قدرت نصب کردند. شاه و حامیان بین المللی اش در واقعیت جرأت نکردند تا ملی ساختن نفت را ملغی اعلام کنند، اما امتیازات را که برای شرکت های انگلیسی (AIOC) Anglo-Iranian Oil Company طی سالهای ۱۹۵۴ داده شده بود به شرکت های امریکایی تفویض نمودند. استخراج نفت مانند گذشته در تسلط و حاکمیت غرب باقی ماند. حکام ایران با رشد درآمد از این ماده ، غرب را یاری رسان بود. گذشته از آن با ملی ساختن کانال سویس در سال ۱۹۵۶ ، تغییر رژیم در عراق ۱۹۶۳ خشونت در این منطقه به شکل فوق العاده بالا گرفت، به خصوص سوء ظن در رابطه به دست داشتن «اتحاد شوروی» در این حوادث وجود داشت.

کشور لیبیا با سرنگون ساختن رژیم سلطنتی و ملی ساختن نفت در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ به هرج و مرج و استفاده بی مهابا از این ثروت طبیعی که در سالهای ۱۹۵۰ استخراج آن آغاز گردید ، پایان بخشید در آن زمان نمونه و محرک برای دیگر اعضای اوپک (OPEC) به حساب میرفت. ایالات متحده امریکا سالهای طولانی «معمراقزافی» رهبر انقلاب لیبیا را دشمن شماره یک خویش ، و کشور لیبیا را کشور (عامی - دنی) مورد حمله قرار داد شهر تریپولی را بمباردمان نموده و کشتی های لیبیایی را غرق ساخت، همچنان در زمان حکومت رونالد ریگن سالهای ۱۹۸۰ سازمان استخبارتی امریکا « CIA » سوء قصد را علیه جان معمراقزافی سازمان داد.

در سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ ایالات متحده امریکا ضربه درد آوری را متقبل شد. در ایران رژیم شاهی سقوط کرد. و اینبار شاه برای همیشه از ایران رانده شد. با آمدن خمینی دیکتاتوری اسلامی - شیعه در ایران حاکم گردید.

از سالهای ۵۰ بدین سو، رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا یکی پی دیگر اعلام داشته اند که ایالات متحده امریکا از منافع خویش در شرقمیان به شکل نظامی آن دفاع خواهد کرد همچنان بر علیه مداخله مسلحانه کمونیستی (دکتورین آیزنهاور - ۱۹۵۷) و یا حمله بالای کشورهای دوست، یعنی اسرائیل (دکتورین نکسن - ۱۹۷۳). جیمی کارتر در ۲۳ جنوری سال ۱۹۸۰ بعد از پیروزی خمینی اعلام داشت «هرکس اگر بخواهد خلیج فارس را تحت کنترل خود قرار بدهد، با تمام وسایل دست داشته مقابله صورت خواهد گرفت به شمول عمل نظامی».

Opic بزرگترین «کارتل» جهان

در ماه سپتمبر سال ۱۹۶۰ پنج کشور صادر کننده نفت، مذاکرات سری در سطح عالی را به منظور تشکیل یک اتحادیه انتقال و فروش نفت آغاز و به توافق رسیدند. اینکشور ها شامل وینزویلا، عربستان سعودی، ایران، عراق و کویت میشد. که بعداً کشورهای امارات متحده عربی، قطر، اندونیزیا، نایجریا، لیبیا، الجزایر و هر چند یکبار اکوادور و گابون نیز به آن پیوستند. پیکره بسیار عجیب و متنفذی بوجود آمد، اتحاد کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فیودالی و کشورهای سرمایه داری به مقصد سود بیشتر از ثروت نفت. سهم اوپک Organization of the Petroleum Exporting Countries در استخراج نفت جهانی طی ده ها سال در حالت نوسان به ۴۰ فیصد میرسد. اما شرکت آن در بازار جهان نفت به میزان درخور توجه یی بین ۶۵ تا ۹۰ فیصد ارتقا یافته. اوپک توانست طی ده ها سال اقتصاد جهان را به حیرت وادارد و به پیروزی غیرقابل باور دست یازید. صادرات اوپک در سال ۱۹۶۰ به ۲ میلیارد دالر و امروز بالاتر از ۱۰۰ میلیارد دالر میرسد. اکثریت مردم کشورهای عضو اوپک از این سود بزرگ بی بهره اند. قسمت بزرگ آن به کسیه حاکمان خاص، و سرآمدان این کشورها فرو برده میشود، که تا امروز در کشور عربستان سعودی و دیگر کشور های عضو آن در قدرت نگهداشته شده اند. «این گل های سر سبد» باخرید

سلاح ، بخش بزرگی این عاید سرسام آور را به کشورهای بزرگ صنعتی بویژه ایالات متحده امریکا دوباره سرازیر میکنند.

وزرای خارجه و مقام های بیروکراتیک نفتی این کشورها هر دو سال یکبار در «وین» مرکز اطریش گرد هم می آیند تا استخراج و استراتیژی نفتی خویش را به تصویب برسانند. با کاهش استخراج نفت قدرتمندان اوپک شرکت ها و دیگر قدرت های نفتی را بعضاً به ترس و وحشت می اندازند، و اقتصاد جهانی را تهدید میکنند. شناوران نفت با بلند بردن قیمت نفت ، کشور های را که عضویت اوپک را ندارند، در تنگنا قرار میدهند. بعضی اوقات هریک از اعضای آن سمت گیری مشخص خود را دارد. بخصوص عربستان سعودی با موقعیت خاص خویش که در صدر کشور های استخراج کننده قرارداد، خودسری ها را انجام میدهد.

یگانه خاطره مثبت از اوپک در رابطه به منع صدور نفت به اسراییل در سال ۱۹۷۳ میباشد. همچنان در سال ۱۹۵۶ کشورهای عربی تحریم نفت را بر علیه کشورهای بریتانیای کبیر ، فرانسه که جنگ را بر علیه کشور مصر بخاطر ملی ساختن کانال سوئز که توسط رییس جمهور جمال عبدالناصر صورت گرفت ، اعلام نمودند. منع صدور نفت در سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ اقتصاد جهان سرمایه را تکان داد. به گفته سناتور امریکایی هنری جکسن (۱۹۷۴) «سود شرم آور» به پایان خود نزدیک شده است. در بازار جهان حالت «پانیک» بوجود آمده امکان بروز «جنگ خلیج» بر علیه کشورهای اوپک هر چه نزدیکتر میگردد. اولین بار بود که اوپک از تیل به مثابه سلاح کار گرفت. شرکت های نفتی مدتی حاکمیت خود را بالای بازار و دولت ها از دست دادند، بویژه در ایالات متحده امریکا که به کمک حالت اضطرار اوضاع را دوباره تحت کنترل قرار دادند. از آن زمان به بعد در اقتصاد نفتی نوع ساختار انحصار دولتی و مشابه به آن در زمانهای مختلف و به اشکال گوناگون که مسؤول دوران جنگ است ، آشکار گردید.

در مدت زمان کمبود و قلت نفت کشورهای صنعتی هیاهو و سر و صدای مقررات صرفه جویی ، روز توقف عراده جات و جیره بندی نفتی را براه انداختند. یک اقدام نامطئن دیگر بر علاوه ذخایر اوپک، کشف ذخایر نفتی و گاز به خصوص در الاسکا - کانادا ، بحیره شمال و اتحاد شوروی بود که چندین بار دور افتاده تر ، قیمت تر و آلوده ساختن محیط زیست را همراه داشت. علاوه بر آن تولید انرژی اتمی نیز محصول مبارزه قدرت

های صنعتی بر عیله قدرت انحصاری شرکت های اوپک بوده و میباشد . کشور های عضو اوپک در شروع ، مبارزه بخاطر پرداخت مالیه بیشتر از سود شرکت ها را آغاز و به تدریج بالای دارایی ها و امتیازات این شرکت ها ، که برای مدت زمان طولانی خود را ثبت و راجستر کرده بودند ، قیودات وضع کردند. در سالهای ۱۹۷۰ کویت ، وینزویلا و پس از آن عربستان سعودی امتیازات شرکت ها را لغو نمودند. اما شرکت ها تا امروز به صفت مسؤولین تخنیکی – مسلکی و مشاورین و دلالان بازار و مستهلکین نفت اجراء وظیفه مینمایند. در عوض امتیاز دریافت یک فیصد بازده نفت را دارند.

در سال ۲۰۰۰ باز هم استخراج نفت اوپک به ۴۲ فیصد ارتقا یافت. جنگ خلیج و به ویژه حمله وحشیانه امریکا و حکومت دست نشانده آن اسراییل در سالهای اخیر ، نه تنها کشور های اوپک را از لحاظ سیاسی از هم دور ساخت بلکه اعضای فعال قبلی کشورهای اوپک را ویران و فلج ساخت (عراق) و یا حاکمیت آنها مورد تهدید قرار داد بطور مثال «محور شرارت» (ایران و حال وینزویلا) . اما عربستان سعودی مانند گذشته «سربراه» است!!! هیچ سوء ظن تروریستی علیه آن وجود ندارد. حال آنکه در سالهای ۱۹۷۳ – ۱۹۷۵ در زمان بحران بزرگ نفتی ، از حمله نظامی « شاهین» بالای عربستان سعودی و کویت صحبت میشد. البته آن زمان ترس از حمله متقابل اتحاد شوروی وجود داشت.

در این اواخر کشور های اوپک فشار خود را بالای بازار جهان شدت بخشیده اند ، چون ضخامت لایحه های معدنی ذخایر نفتی در مناطق دیگر کاهش یافته است، بطور نمونه بحیره شمال. ایالات متحده نیاز های نفتی خویش را کمتر تأمین نموده و ضرورت نفت در آسیا بویژه چین و هندوستان ارتقاء مییابد. دلیل نهانی افزایش فوق العاده قیمت نفت و گاز در سالهای اخیر ، رشد تقاضای بیشتر برای این عنصر طبیعی میباشد، اوپک و شرکت های نفتی در واقعیت با سر و صدا انداختن جنگ و خطر جنگ و ترس از تروریزم خود را تغذیه میکنند. در سال های اخیر قیمت نفت به شکل سرسام آوری ، در حدود ۲۰۰ فیصد بلند رفت ، یک بیرل نفت خام (۱۵۹ لیتر) از ۲۰ به ۵۵ و در این اواخر به ۷۰ دالر رسیده است.

www.ayenda.org